

آموزه های تربیتی محبت اهل بیت (علیهم السلام)

محمد نجفی*

چکیده :

محبت ائمه اطهار و اهل بیت(ع) که در متن دین اسلام و شریعت محمدی(ص) يك حقیقت اساسی و انکار ناپذیر به شمار می آید، از دیدگاه تربیتی کمتر مورد ملاحظه صاحب نظران و تحلیلگران قرار گرفته است. در حوزه معرفت دین و مذهب شناسی، این اصل آن اندازه اهمیت دارد که نشانه‌هایی از آن را در بسیاری از آیات و روایات، به طور آشکار یا نهان می‌توان یافت.

هدف این پژوهش آن است که با استفاده از منابع اصیل اسلامی نشان داده شود که بین عالم تکوین و تشریح در این مورد، سازگاری و هماهنگی وجود دارد و می‌توان اصل محبت اهل بیت (ع) را به عنوان يك «راهبرد تربیتی» مد نظر قرار داد و به بررسی ویژگی‌ها، کارکردها و پیامدهای تربیتی آن پرداخت .

واژگان کلیدی: اسلام، تربیت، اهل بیت، معصومان، راهبر و تربیتی

مقدمه:

عاطفه و احساس از ویژگی‌های برجسته آدمی است که اگر بر مبنای عقلانیت و خرد ورزی نباشد، آثار و نتایج منفی زیادی را به همراه دارد. در دنیای امروز، بسیاری از انسانها، دل به اشیاء و موجوداتی می‌بندند که زوال پذیر و غیرمؤثرند و قادر نیستند نیازهای اساسی انسان را تأمین نموده، او را سعادتمند سازند.

از سوی دیگر، يك مربی نیز همواره در جستجوی مفیدترین و سریعترین شیوه برای تربیت شاگردان خویش است و اگر روش گزینشی او بر مبنای فطرت پاک و عواطف زلال آنان نباشد، هدف را دست نیافتنی می‌یابد.

ارادت و تعلق خاطر به معصومان(ع)، به عنوان برترین مریبان بشر، هم سبب بروز و ظهور عواطف انسانی از خاستگاه عقلانیت و خردورزی است و هم ضروری ترین، مؤثرترین و سریعترین روش پیمودن مسیر تکامل و تعالی است و می‌تواند به عنوان يك راهکار اساسی و مناسب برای پرورش همه جانبه و جهت دار تواناییها و استعدادهاي انسان، مورد استفاده قرار گیرد.

در این مقاله، ابتدا به تبیین مقوله محبت در عالم هستی و ارتباط آن با تربیت پرداخته‌ایم و سپس به تأثیر اهل بیت (ع) در عالم تکوین و تشریح و ضرورت محبت آنان برای انسان اشاره نموده‌ایم. در ادامه بحث نیز، ویژگی‌ها، کارکردها و پیامدهای محبت اهل بیت(ع) را به عنوان يك راهبرد تربیتی مورد بررسی قرار داده‌ایم.

سرای محبت و تربیت

عالم هستی سراسر اتصال، ارتباط و همگرایی است و با نگرش تیزبینانه و عارفانه می‌توان رایحه محبت، عطوفت و مهربانی را از آن استشمام نمود. در حکمت متعالیه این نظریه به اثبات رسیده است که عشق و حیات دویار جدانشدنی از موجودات هستند که در یکایک آنها سریان دارند. (صدرالمتألهین شیرازی، ۱۳۶۰، ص ۱۴۷-۱۴۸).

این دلبستگی که در ذات و گوهر اشیاء نهفته است، هم نسبت به دیگر مخلوقات وجود دارد و هم نسبت به خالق یکتا، و در مورد دوم، توأم با احساس نیاز، فقر و وابستگی است. این فقر وجودی راز همراهی دایمی، همیشگی و تکوینی خالق با مخلوق را نشان می‌دهد که در اصطلاح فلسفی به آن مَعِيتٌ قِيُومِیة اطلاق می‌گردد و به تعبیر قرآن کریم: **هُوَ مَعَكُمْ اَیْمًا كُنْتُمْ**: خداوند سبحان همیشه و همه جا با شماست. (حدید، ۴)

خداوند متعال در حدیث قدسی، این دوستی و محبت را اساس و مبنای پیدایش هستی دانسته و علت غایی آن را نمایاندن خود بر موجودات و معرفت آنان نسبت به خالق خود بر شمرده است: **«كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًا فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أَعْرَفَ»** (صدرالمتألهین شیرازی، ۱۳۶۳، ص ۲۹۳).

«من گنج نمان بودم، دوست می‌داشتم شناخته شوم. پس مخلوقات را آفریدم تا شناخته شوم».

با استناد به این شواهد می‌توان گفت که محبت و مهربانی واقعیتی است که منشأ تکوینی دارد و تمام عالم امکان را فراگرفته است و اگر پراکندگی و جدال در آن مشاهده می‌گردد، امری عارضی و غیراصولی است، نه یک امر ذاتی در کنه هستی.

این ویژگی در ماهیت انسانی نیز وجود دارد و اساساً احساس تعلق خاطر و محبت انسان نسبت به محبوب هم می‌تواند او را وارد عرصه تکامل و تعالی نموده، حرکت تربیتی و تکامل او را تسهیل کند. از سوی دیگر، او را در کویر سکون و ایستایی و یا نزول و قهقراپی رها نموده، زمینه انفصال هر چه بیشتر او را از آرمانها و غایت‌های تربیتی فراهم نماید.

آنچه در زمینه گرایش به غیر اهمیت تام دارد، ارزش و شخصیت محبوب و چگونگی و میزان تأثیرگذاری او بر جان و روان محب است. زمینه یابی برای ایجاد این گونه ارتباط توسط مربی را می‌توان سریعترین و در عین حال پرخطرترین شیوه تربیتی به شمار آورد، زیرا از دو فرآیند اساسی به طور همزمان سود می‌جوید: «جداسازی او از اغیار» و «وادیار سازی او برای پیوستن به یار». این مطلب همان است که در کلام پیامبر اسلام (ص) آمده است: **«حُبُّكَ لِلشَّيْءِ عِيْمِيٌّ وَ يُصِمُّ»** (محمدی الی‌شهری، ۱۳۶۲، ص ۲۰۸). دوستی انسان نسبت به یک چیز او

را ناشنوا و نابینا می‌کند.

این گونه نابینایی و ناشنوایی، ظاهری و جسمانی نیست بلکه، هویتی درونی دارد و سبب آن تعلق خاطری است که موجب غفلت و بی‌توجهی نسبت به دیگران و توجه و ارادت محض به محبوب و مطلق دانستن او می‌گردد. شدت و چگونگی این احوال درونی، تابعی از میزان وابستگی به آن موجود است. هر چه این گرایش و احساس تعلق بیشتر باشد، میزان دل‌کندگی او از غیر و دلبستگی او به محبوب، افزونتر خواهد بود.

نکته دیگر آن که عشق و محبت - به هر گونه اش - از نظر تربیتی مثبت و سازنده نیست و می‌تواند بار منفی زیادی بر آن مترتب گردد و آن بستگی به میزان مطلوبیت حقیقی هدف مورد نظر دارد. چه بسا افرادی که در پستوهای تو در توی عشق‌های مجازی گم گشته و از حقیقت دور افتاده‌اند و در مقابل، افرادی که يك شبه ره صد ساله پیموده، به لقای محبوب اصلی شرف حضور یافته و به حقیقت دست یازیده اند.

اگر چه این احساس محبت و گرایش در متریبی نسبت به ارزشها و کمالات انسانی، در تمام روشهای تربیتی، هرکدام به گونه‌ای وجود داشته و به وسیله مربی، در موارد گوناگون و بویژه گامهای آغازین فرایند تربیت، مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما برجستگی و تأثیر آن در روش الگوئی یا اسوه سازی بیشتر است. به همین دلیل، برخی از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت آن را بهترین و مؤثرترین روش تربیت و تغییر رفتار می‌شمارند (مدکور، ۱۹۹۰، ص ۴۳۰). برخی دیگر با استناد به آیه شریفه «لقد کان لکم فی رسول الله أسوة حسنة»* (قرآن کریم، احزاب، ۲۱)، آن را یک روش اساسی در تربیت قرآنی می‌دانند (باقری، ۱۳۶۸، ص ۱۰۸).

نقش اهل بیت (ع) در عالم تکوین و تشریح

در اداره جهان هستی، اراده خداوند سبحان بر علل و اسباب تعلق می‌گیرد. تکوین این عالم نیز به واسطه قدرت کبریایی واجب الوجود به عنوان علت فاعلی صورت یافته است و در متن و بطن آن نیز غرض و مقصدی نهفته است که حکمت الهی اقتضای آن را دارد و علت غایی نامیده می‌شود. ضرورت مطلب مذکور از لحاظ عقلانی به اثبات رسیده است (الطباطبائی، ۱۳۶۲، ص ۱۸۰-۱۸۶).

همچنین در حکمت الهی نشان داده شده است که مقصود اصلی از آفرینش هستی، انسان کامل و ولیّ اعظم خداوند است که این عالم فرع وجود او و طفیل ظهور اوست. در قرآن کریم نیز از آن تعبیر به خلیفه الهی شده است که خداوند متعال از خلق آن، بفرشتگان مباحثات می‌کند: «إني جاعلُ في الأرض خلیفة» (بقره، ۶). در منابع موجود اسلامی و در روایات بی‌شماری که به تواتر رسیده است، این انسان کامل، یکایک معصومان و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) معرفی شده‌اند که خلقت آسمانها و زمین به واسطه وجود آنان است (صدرالمتألهین شیرازی، ۱۳۶۳، ص ۲۰۶-۲۰۷).
 در برخی روایات از آنها به ارکان دین (الکلینی، ۱۴۰۵، ص ۱۹۶-۱۹۸)، و در برخی دیگر به نورالهی (الکلینی، ۱۴۰۵، ص ۱۹۶، ۱۹۴). تعبیر شده است. در پاره‌ای از روایات نیز از این بزرگواران به عنوان حجت الهی، اصل دین، اساس عالم هستی، تمیز دهنده حق از باطل، راسخان در علم و وارثان آن، نعمت الهی و آگاه به اسم اعظم الهی یاد شده است (المجلسی، ۱۴۰۳، ص ۱-۵۶).

عناوین یاد شده، هر کدام به بعدی از ابعاد وجودی و به گوشه‌ای از فضائل بی‌شمار معصومان (ع) و بویژه به نقش و تأثیر انکار ناپذیر آنان در عالم تکوین و تشریح اشاره می‌کند و اینکه آنان وسایط فیض الهی و رساننده نعمت‌های ربوبی بر سراسر عالم امکان هستند.

اگر چه در عالم تشریح، آنان برای هدایت انسانها آمده‌اند، اما در عالم تکوین، خلقت انسانها و تمام ممکنات به واسطه انسان کامل است که در وجود معصومان تجلی یافته است. وجود نورانی آنها، غایت پیدایش این جهان به دست واجب الوجود و مقصد نهایی آن است.

ضرورت محبت اهل بیت (علیهم السلام)

اشاره گردید که عالم سرای وصل است و همگرایی، نه دیار فصل و واگرایی. گوهر محبت در تمام ذرات این جهان پراکنده است، بویژه نسبت به معبود حقیقی و مطلوب واقعی که خداوند عزیز و حکیم است. از آنجا که علت‌العلل اوست، لذا باید سبب این محبت تکوینی را نیز در ذات مقدس او جستجو نمود. محبت موجود در ممکنات و مخلوقات نیز فرع و معلول محبت خداوندی است و به همین دلیل در کلام حکما و عرفا نیز آمده است: «غایت حرکت حبّی خداوند، همانا پیدایش انسان کاملی است که حبیب اوست و رسالت حبیب خدا، ترسیم هندسه محبت است» (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۲).

در قرآن کریم نیز آمده است: «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ». (آل عمران، ۳۱)

«محبت اصلی وقف محبّ اصیل و محبوب اصلی است و آن حبّ خدا به ذات خویش است که از آن به «المحبة الاصلية» یاد می‌شود» (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۲).

پیامبراکرم (ص) در کتاب الهی، اجر و مزد پیامبری خویش را دوستی عترت طاهرین و اهل بیت قرار داده است:

«قُلْ لَا اسئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»: (شوری، ۲۳)

«ای پیامبر بگو که من از شما اجر و مزدی نمی‌خواهم مگر دوستی عترت و اهل بیت خود». ضرورت این محبت بدان سبب است که سود و نفع آن به خود محبّ باز می‌گردد، نه به محبوب و نه به سود پیامبر (ص). چنانکه در قرآن می‌فرماید:

«قُلْ مَا سئَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنَّ أَجْرِيَ عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»: (سبأ، ۴۷).

«پیامبر به مردم بگو که هیچ اجر و مزدی از شما نمی‌خواهم و پاداش من بر خداست و او بر همه چیز شاهد و ناظر است».

این محبت دست یافتنی و کسب شدنی است، زیرا متعلق امر الهی واقع شده است و يك امر محال و غیراختیاری، مورد امر و نهی قرار نمی‌گیرد*

محبت اهل بیت (ع) به عنوان يك "راهبرد تربیتی"

اگر چه در متون تربیت اسلامی، شیوه‌ها و راهکارهای زیادی برای فرایند تربیت بیان شده است، اما به مقوله «محبت اهل بیت (ع)» به عنوان يك الگوی راهبردی، مستقل و کارآمد در تعلیم و تربیت، کمتر پرداخته شده است. در اینجا، بدین سبب با عنوان «راهبرد» آمده است که خود، دارای آرمانها و غایتها، راهکارها و تدابیر و اصول تربیتی و انگیزه‌های لازم برای تداوم تربیت است. همچنین آن را می‌توان تلفیقی از انواع روشهای تربیتی دانست که صاحب نظران در زمینه تربیت دینی به آن پرداخته‌اند.

در ادامه، در ساختار سه بعدی «ویژگیها، کارکردها و پیامدهای تربیتی، به توصیف اجمالی این راهبرد تربیتی می‌پردازیم:

۱ - ویژگیهای تربیتی محبت اهل بیت (ع):

این راهبرد دارای ویژگیهای شاخص، برجسته و منحصر به فردی است که آن را از دیگر الگوها و روشهای تربیتی متمایز می‌سازد:

الف) ارادی و اختیاری است:

خداوند متعال در سوره شوری، آیه ۳، ارادت و محبت نسبت به اهل بیت (ع) را از زبان پیامبرش از مردم طلب نموده است، زیرا واقعیتهای است که در اراده و اختیار آنان قرار دارد و باید آگاهانه و آزادانه برای دستیابی به سعادت واقعی تحصیل نمایند. البته، آن يك امر احساسی و عاطفی محض نیست، بلکه آثار و نتایج مثبت زیادی بر آن مترتب است که در ادامه مقاله خواهد آمد.

ب) دست یافتی و قابل حصول است:

چنانکه ذکر شد اگر تحقق این امر ممکن نبود، در آیه فوق، متعلق امر الهی واقع نمی‌شد، زیرا مکلف نمودن آدمی فراتر از وسع او، امتناع عقلی دارد و خداوند حکیم به چنین امری مبادرت نمی‌ورزد.

ج) درونی و برونی است:

اگر چه عشق و محبت از حالات عاطفی انسان است و ماهیتی درونی و روانشناختی دارد، اما وقتی واقعی و اصیل به نظر می‌رسد که در رفتارهای قابل مشاهده و ظاهری انسان نیز تأثیر گذار باشد و آثار و شواهد آن در اعمال آدمی مشاهده گردد. در حدیثی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که: «حُبُّ عَلِيٍّ بِنِيبِ طَالِبِ حَسَنِهِ لَا تَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ وَ بَغْضُهُ سَيِّئَةٌ لَا تَنْفَعُ مَعَهَا حَسَنَةٌ.» (المجلسی، ۱۴۰۳، ص ۲۴۸). دوستی علی (ع) حسنه‌ای است که هیچ گناهی به او لطمه وارد نمی‌کند و کینه او گناهی است که هیچ کار نیکی، آن را جبران نمی‌نماید.»

مفهوم حدیث فوق آن است که دوستدار واقعی علی (ع) گرایشی به ارتکاب گناه ندارد، نه این که علی را دوست داشته باشد و به هر گناهی مبادرت ورزد و به عبارت دیگر، محبت را می‌توان از مراحل تربیت دانست که آغاز آن معرفت شناسی است و با حصول معرفت و وصول به محبت، به عشق ره می‌سپرد. در پی آن متریبی الگو پذیر شده، با تبعیت و گردن نهادن به اشارات و ارشادات محبوب، به کاروان انسانهای تربیت شده به ترتیب زیر ملحق می‌گردد:

معرفت شناسی ← حصول معرفت ← محبت ← عشق ← الگوپذیری ← تبعیت ← تربیت

باید دانست که رابطه بین مراحل فوق، يك رابطه خطی نیست که بسادگی و بسهولت بتوان از منازل فوق گذر نمود، بلکه معادله دشواری است که مجهولات زیادی در مسیر سنگلاخ آن، رخ می‌نمایند و سالک طریق تربیت با همت بلند، عزم جزم، تعبد به دین، آسیب شناسی سلوک و تعقل در مبانی، اصول و آموزه های مریبی خود، موانع را برطرف نموده، خود را بر بلندای کوی دوست می‌رساند.

د) مظهر حُبّ الهی است:

معصوم (ع) از آن جهت محبوب قلب مؤمن است که عید و برگزیده خداوند است و فیض الهی به واسطه او به خلق می‌رسد. اهل بیت (ع) در ذات خود موضوعیت ندارند و در حدیث آمده است، آنان ابواب الهی و صراط مستقیم هستند که آدمیان را به هستی بخش خود پیوند زده، به لقای او واصل می‌نمایند (المجلسی، ۱۴۰۳، ص ۲۳۶). در روایتی دیگر از پیامبر اسلام (ص)، فلسفه وجودی محبت رسول اکرم (ص) و جانشینانش، یعنی ائمه اطهار (ع)، حُبّ الهی معرفی شده است (محمدی الریشهری، ۱۳۶۲، ص ۲۳۶).

افراط و تفریط در این مقوله و نپیمودن طریق اعتدال، از آسیبها و آفت‌هایی است که می‌تواند متریبی را از دستیابی به هدف نهایی و بهره‌مندی از ارزشهای تربیتی محبت این بزرگواران، باز دارد.

ه) حقیقت ایمان و واقعیت دین است:

تنها راه نجات و سعادت انسانها، پیروی از اهل بیت (ع) است، زیرا واقعیت دین خدا و جان و روح و حقیقت شریعت رسول خدا نزد آنان است و هر طریق غیر از طریق آنان، ضلالت و گمراهی است. در حدیثی از امام باقر (ع) در ذیل آیه ۲۵۶ از سوره بقره از عروة الوثقی به مؤدّت و محبت اهل بیت (ع) تأویل شده است (الفاضل الکاشانی، ۱۴۰۳، ص ۲۸۴). و پیامبر اسلام (ص) نیز عنوان مؤمن را شایسته کسی می‌داند که در قلب او محبت علی (ع) و فرزندانش رسوخ نموده باشد.

و) تعالی بخش و والاترین نیکبهاست:

در زبان دین، کار نیکو مصادیق بی‌شماری دارد. هر عملی برای کسب رضای الهی انجام شود، از نیکبها شمرده می‌شود. اما از قراین و شواهد عقلی و نقلی برمی‌آید که افضل اعمال و برترین حسنات، محبت اهل بیت است. در اینجا تنها به یک شاهد بسنده می‌شود و آن حدیثی است که در تفسیر آیه ۲۳ از سوره شوری در بیان مصداق حسنه آمده است. امام مجتبی (ع) می‌فرماید: «الحسنة حُبّ أهل البيت» (المجلسی، ۱۴۰۳، ص ۲۵۶).

ز) حکم واجب الهی است .

محبت آنان تنها یک امر راجح و شایسته‌ای نیست که بود آن بهتر از نبود آن باشد، بلکه یک حکم قطعی، انکار ناپذیر و لازم است که وقع نهادن به آن، انسان را در دنیا به ضلالت و در آخرت به هلاکت می‌افکند (المجلسی، ۱۴۰۳، ص ۲۵۷).

ح) تکامل پذیر و زوال پذیر است:

ایجاد محبت تا حدودی، امری ارادی و قابل افزایش و کاهش است، برای همین، نیاز به انگیزش و تداوم دارد. با بررسی و شناخت بیشتر و دستیابی به مراتب والای معرفت و ایمان، عشق و گرایش انسان نسب به

آنان افزونتر و عمیق‌تر می‌گردد و در غیر این صورت، امکان دارد زوال و نزول یابد: **وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ** (بقره، ۱۶۵). «کسانی که ایمان آورده‌اند، محبتشان به خداوند بیشتر است.»

۲ - کارکردهای تربیتی محبت اهل بیت (ع)

معصومان (ع) دارای ملکه عصمت و از هرگونه خطا و نادرستی مصون هستند. به همین دلیل، می‌توانند در جنبه‌های گوناگون شخصیتی، فردی و اجتماعی، جسمانی و روانی، و عقلانی و اخلاقی، به عنوان يك الگوي جامع، فرا راه تمامی انسانها در طول تاریخ معرفی گردند. شخصیت الگویی آنان به لحاظ ساختاری و شعاع وجودی، در موقعیت‌ها و شرایط خاص جغرافیایی و اجتماعی، محدود نمی‌گردد و همانند نفس دین، ماهیت فرا مکانی و فرا زمانی دارد.

از سوي دیگر بین حقایق سه گانه اسلام، قرآن و اهل بیت، يك پیوند و ارتباط همیشگی، فعال و انکار ناپذیر و از نظر عرفانی، نوعی وحدت وجود دارد و از آنجا که اسلام، تنها دین مقبول الهی و قرآن کریم، تنها منشور جامع تربیتی در طول تاریخ بشر به شمار می‌آید، جامعیت الگویی اهل بیت (ع) نیز جاودانی بوده، برای تمام انسانها سندیت و حجیت دارد. این جامعیت الگویی، دارای ابعاد سه گانه قول، فعل و تقریر است. به همین جهت، آنان در زمینه گفتارها، رفتارها و تأییدها، به عنوان شاخصها و الگوهای اعتقادی- عملی و اخلاقی - تربیتی مورد ملاحظه قرار می‌گیرند. این سه بعد، نشان دهنده اجزای تشکیل دهنده سنت هستند که به عنوان یکی از منابع چهار گانه معرفت دینی، توأم با **کتاب، عقل و اجماع ملاک** و معیار صحت و خطای عملکرد آدمی به شمار می‌آیند.

کارکردهای تربیتی محبت اهل بیت (ع) را با استناد به آیات و روایات، می‌توان در ده عنوان زیر خلاصه نمود:

الف) تبعیت

اولین و مهمترین کارکرد محبت، اطاعت یا پیمودن طریق محبوب است. در قرآن کریم، از دوستانان حق انتظار می‌رود که از رسول او نیز پیروی نمایند، زیرا او آئینه تمام نمای حق و اهل بیت نیز تجلیگاه رسول خدا و با او يك نور به شمار می‌آیند:

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» (آل عمران، ۳۱)

«ای پیامبر! بگو اگر دوستدار خداوند هستید، از من پیروی نمایید که حاصل آن محبت الهی و آمرزش گناهان شماست.» این تبعیت، همانا استفاده از تمام تواناییها و استعدادها در به انجام رساندن مقاصد مورد نظر خدا و رسول و نتیجه آن، حرکت در مسیر صحیح دنیوی و اخروی است.

ب) تکامل ماهوی

عمده‌ترین عامل همگونی و یگانگی میان محب و محبوب، همان ارتباط عاطفی بین آنهاست. انسانی که دوستدار واقعی اهل بیت (ع) است، همواره می‌کوشد تا ظاهر و باطن خود را همشکل و هم‌رنگ آنان نماید تا

بتواند از ماهیت این جهانی و ناسوتی خود خارج شود و به حقیقت ملکوتی آنان بپیوندد. در حدیث قدسی* آمده است که خداوند به بنده خود فرمان می دهد:

«عبدی اطعنی اجعلک مثلی» (شیرازی، بی تا، ص ۱۴۰).

«ای بنده من از من اطاعت کن تا تو را همانند خود قرار دهم».

چنان که ذکر شد، خداوند در قرآن کریم اطاعت از اهل بیت (ع) را قرین محبت خود قرار داده است. بنابراین، تنها با پیروی از اهل بیت (ع) از روی عشق و علاقه می توان مثل یا مثل خداوند شد.

ج) توسعه و غنی سازی شخصیت

این فرآیند آن گاه اتفاق می افتد که رشد و تکامل در تمام ابعاد و ویژگیهای انسانی و هماهنگ، هدفمند و برنامه ریزی شده حاصل گردد. در غیر این صورت، انسان دچار پس افتادگی در شخصیت شده، به فقر شخصیتی مبتلا می گردد. جامعیت الگویی ائمه اطهار (ع) اقتضای آن را دارد که فرد پیرو در تمام ابعاد و جنبه های شخصیت انسانی، آنان را اسوه قرار دهد و به غنای شخصیتی دست یابد. در قرآن کریم پیامبر اسلام (ص) به عنوان انسانی کامل و اسوه حسنه معرفی شده است:

«لقد کان لکم فی رسول الله أسوة حسنة» (احزاب، ۲۱) و این حکم در مورد اهل بیت آن حضرت به عنوان

جانشینان صادق ایشان نیز جاری است.

د) جهت دهی و فعلیت استعدادها

در اسلام حقیقی، ائمه اطهار (ع)، بزرگترین و شایسته ترین مربیان بشریت در طول تاریخ به شمار می آیند. آنان نه تنها برای به انجام رساندن استعدادهای انسانی آمده اند، بلکه بستر به کارگیری تواناییهای آدمی را نیز مشخص نموده اند و این همان نکته ظریفی است که برخی از صاحب نظران در تمایز و تفاوت بین مفهوم تربیت با مفهوم پرورش به آن اشاره نموده اند (نقیب زاده، ۱۳۷۹؛ ص ۱۶). شاید تعبیر **ساسة العباد** که به معنای سیاستگذاران بندگان، در فقره ای از زیارت جامعه کبیره آمده است، ناظر بر همین مطلب باشد.

ه) صبر در دشواریها و لذت بخشی حیات

طالب حقیقی کسی است که در راه وصال به مطلوب خویش، بویژه هنگامی که او برترین و پاکترین موجود هستی باشد، نهراسد و تردید ننماید. آنچه پیمودن این راه را بر مُحبّ، سهل و شیرین می نماید، همان عشق و تعلق خاطر به محبوب است.

علاوه بر شناخت، آگاهی و آمادگی اولیه که برای گام نهادن در مسیر تربیت لازم است، عامل انگیزشی و تداوم بخش نیز مورد نیاز است. این عامل باید در تمام منازل، خود را نشان دهد و بر عزم و تصمیم مترّبی بیفزاید. آنجا که این عامل، ماهیت عاطفی و احساسی داشته باشد و بویژه پشتوانه آن عقلانیت، تفکر و

خردورزی باشد، تأثیری شگرف بر جای می‌گذارد. محبت اهل بیت (ع)، حقیقتی است که مُحبّ نه از روی گرایش‌های واهی و خودسرانه، بلکه بر مبنای بررسی، نیاز سنجی و ایده شناسی، آن را گزینش نموده است. بنابراین، این محبت می‌تواند موجب عمل صالح گردیده، مُحبّ را تا سرمنزل مقصود رهنمون گردد.

ز) وسعت و ژرف نگری در اندیشه

مطلوبیت در رفتارهای ظاهری انسان تا حدود زیادی مرهون جامعیت و تعمق در فرآیندهای ذهنی و رفتارهای نهان است. آنجا که انسان به تجدید نظر و تحول در موضوعات و شیوه‌های تفکر خود مبادرت می‌ورزد و آنها را بر مبنای استانداردهای عقلانی و دینی بهبود می‌بخشد، نگرشها و باورهای او نیز سنجیده تر و پسندیده تر شده، در نتیجه رفتارهای فردی و اجتماعی تکامل یافته و متعالی‌تری خواهد داشت. با جایگزین نمودن محبت معصومان (ع) به عنوان مظهر عشق حقیقی، به جای عشق‌های کاذب و مجازی، انسان در مقام آن است که شیوة تفکر و اندیشه خود را نیز همانند آنان وسعت بخشد و به واسطه آن، به شأن و مرتبه والای آنان تقرب جوید.

ح) احاطه عقلانی بر تمایلات نفسانی

محبت واقعی به معصوم با گرایش ذاتی و اصیل به محبوبهای دنیوی و زیباییهای ظاهری در تقابل است و این بدان جهت است که در دلبستگیهای دنیوی، خرد و قوای عقلانی بشر در تسخیر پدیده‌های مادی گرفتار می‌گردد و در پی آن، سیر نزولی حرکت روح آدمی تسریع می‌شود. اما در شکل اول، تمایلات نفسانی دوستداران اهل بیت، همانند خود آنان، درحیطة کنترل و هدایت عقل آرام گرفته، در مسیر صحیح از آنها استفاده می‌گردد. با افزایش این محبت، احاطه عقلانی بر این تمایلات نیز بیشتر شده، بتدریج دنیای وجود انسان از سرچشمه عقلانیت راستین- که تنها راه درک دیانت حقیقی است - بهره خواهد گرفت.

ط) فَعَال سازی مُحبّ

یکی از تفاوت‌های اساسی میان دو عشق حقیقی و مجازی آن است که در عشق مجازی، مشروط بر آنکه نتواند بستر دستیابی به عشق حقیقی گردد، عاشق، حالت انفعالی به خود می‌گیرد و فکر و ذهن خود را اسیر خیالات و اوهام گوناگون می‌نماید؛ به گونه‌ای که قدرت حرکت و تلاش مثبت و سازنده از او سلب خواهد شد و حتی در فرض وصول به محبوب نیز پیامد آن لذت‌های گذرا، سطحی، غیرمفید و چه بسا مضر خواهد بود. اما در عشق حقیقی، مُحبّ، پیوسته به دستیابی به صفات و ویژگیهای شایسته محبوب و همگون شدن با او می‌اندیشد و این امر دم به دم بر تلاش، کوشش و فعالیت او می‌افزاید.

ی) وفا و ایثار

عمده ترین و اساسی‌ترین ویژگی معصوم آن است که این بزرگواران همه هستی خود را نثار طریق توحید و عدالت نمودند و در این مسیر، لحظه‌ای از پای ننشسته، از تمام امکانات و قابلیت‌های خود بهره گرفتند. در

نتیجه گیری

از آنچه گذشت، می‌توان به نتایج زیر دست یافت :

- ۱ - محبت اهل بیت (ع) به عنوان یک ضرورت انکار ناپذیر در قرآن و روایات مطرح شده است و با ویژگیها و آثاری که بر آن مترتب است، اهتمام بالایی نسبت به ارائه آن و بهره مندی انسانها از پیامدهای مثبت آن، مبذول شده است.
- ۲ - اصل محبت اهل بیت، یک امر غیرواقعی و تحمیلی نیست، بلکه بر مبنای نیاز فطری بشر و فرمانهای خدا و رسول (ص) و طبیعت عالم تکوین، شکل گرفته است.
- ۳ - می‌توان این اصل را به عنوان یک راهبرد تربیتی، مطرح نمود و در فرآیند تعلیم و تربیت به عنوان یک هدف و غایت پرورشی، مورد توجه قرار داد و براساس آن برنامه درسی ویژه ای تدوین نمود.
- ۴ - درک مفهوم واقعی محبت معصومان (ع) و آثار آن، زمینه تکامل و تعالی حیات انسان را فراهم نموده، سعادت دنیوی و اخروی را برای او به ارمغان می‌آورد.

منابع

* قرآن کریم

- باقری، خسرو. (۱۳۶۸). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تهران: دفتر امور کمک آموزشی و کتابخانه ها.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). *تحریر تمهید القواعد*. اصفهان: انتشارات الزهراء. ص ۲.
- شیرازی، حسن. (بی‌تا) *کلمه الله*. تهران: مؤسسه الاعلمی.
- صدرالمتألهین شیرازی. (۱۳۶۰). *الشواهد الربوبیه*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- صدرالمتألهین شیرازی. (۱۳۶۳). *مفاتیح الغیب*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صدرالمتألهین شیرازی. (۱۳۶۳). *اسرار الایات*. ترجمه محمد خواجه‌جوی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- الطباطبائی، محمد حسین. (۱۳۶۲). *نهایه الحکمه*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- الفیض الکاشانی، محسن. (۱۴۰۲). *تفسیر الصافی*. ج ۱. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- الکلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۵). *الاصول من الکافی*. بیروت: دارالاضواء.
- المجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). *بحار الانوار*. ج ۲. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- محمدی الریشهری، محمد. (۱۳۶۲). *میزان الحکمه*. ج ۲. تهران: مرکز النشر.
- مدکور، علی احمد. (۱۹۹۰). *منهج التریبه فی التصور الاسلامی*. بیروت: دار النهضه العربیه.
- نقیب زاده، میر عبدالحسین. (۱۳۷۹). *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*. تهران: انتشارات طهوری.